



Research Article

Vol 16, Issue 4, Winter 2025, Ser 62, PP:1-26

Title: Poetry of Buildings: An Introduction and Criticism of a Poetic Genre in Persian

Authors: Fatemeh Amiri 
Ali Akbar Ahmadi Darani* 

Abstract: The description of mansions and buildings, called poetry of building, constitutes a genre in Persian poetry. It may be considered the equivalent to the genre of country house poetry in English literature. Poetry of building has many examples in the thousand-year history of Persian poetry. It has remained rather unknown since researchers have not conducted studies to analyse and express its characteristics as an independent literary type. Describing buildings and mansions created an opportunity for poets to record the name and the picture of a particular building in their poems, to praise the builder of the building, and to show their artistry and skill in writing poetry. In this survey, poems about buildings have been extracted from more than three hundred Persian texts, such as the divans of the poets, books of history and Tazkera (biographies of great people), and put into historical order from old to new. The results of this research, which covers all periods of Persian poetry, show that most of the poems about buildings were written in Safavid and Qajar periods and were in the form of “qasideh” and “qat’eh” (odes) and Masnavi (couplets), and were written with the aim of eulogy, description, and recording history. Among the poets who wrote poetry on this subject, Abdi Beyg Shirazi known as Navidi in the Safavid period and Fath Ali Khan Saba in the Qajar period stand out as pioneers. In this essay, in addition to explaining the artistic and literary features of the building poems, including the poetic purposes, themes, structures, formats, and rhetorical features that lead to the accurate and comprehensive understating of this literary type, the relationship between these poems with authentic Iranian architecture has been discussed, which renders it useful in architectural research, too.

Key words: building, poetry of building, mansion, description

Received: 2024-03-22

Accepted: 2024-08-24

* Associate Prof in Persian Language and Literature University of Isfahan, Isfahan, Iran. aa.ahmadi@ltr.ui.ac.ir.

DOI:10.22099/JBA.2024.47809.4415



COPYRIGHTS ©2021 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY-NC 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited. No permission is required from the authors or the publisher.



مقاله علمی پژوهشی، سال ۱۶، زمستان ۱۴۰۳،

شماره چهارم، پیاپی ۶۲، صص ۱-۲۶



شعر ساختمان (معرفی و نقد گونه‌های شعری در زبان فارسی)

فاطمه امیری *

علی اکبر احمدی دارانی **

چکیده

یکی از انواع شعر فارسی، توصیف عمارت‌ها و ساختمان‌هاست. شعر ابنیه در تاریخ هزارساله‌ی شعر فارسی، نمونه‌های فراوان دارد و از آنجاکه تاکنون پژوهشگران به تجزیه و تحلیل و بیان ویژگی‌های آن به‌عنوان نوع ادبی مستقلی نپرداخته‌اند، چندان شناخته شده نیست. توصیف بناها و ساختمان‌ها برای شاعران فرصتی ایجاد می‌کرده است که علاوه بر ثبت و ماندگاری نام و تصویر عمارت در اشعار، به مدح ممدوح یا بانی بنا بپردازند و قدرت و مهارت خود را در شاعری نیز نشان دهند. در این جستار اشعار ساختمان از لابه‌لای صفحات بیش از سیصد متن فارسی، چون دیوان‌های شاعران، کتاب‌های تاریخ و تذکره، استخراج و بنا بر ترتیب تاریخی از قدیم به جدید نقد و تحلیل شده است. حاصل این پژوهش که همه‌ی ادوار شعر فارسی را دربرگرفته، نشان می‌دهد بیشترین اشعار ساختمان در دوره‌های صفویه و قاجار و در قالب قصیده، قطعه و مثنوی بوده و به‌منظور مدح، وصف و ثبت تاریخ سروده شده است. از میان شاعرانی که در این موضوع طبع‌آزمایی کرده‌اند، عبدی بیگ شیرازی متخلص به نویدی در دوره‌ی صفویه و فتحعلی‌خان صبا در دوره‌ی قاجار، دو شاعر شاخص و پیشگام هستند. در این جستار علاوه بر تبیین ویژگی‌های هنری و ادبی شعر ساختمان اعم از اغراض شعری، درونمایه، ساختار، قالب و وجوه بلاغی که به شناسایی دقیق و همه‌جانبه‌ی این نوع ادبی می‌انجامد، به رابطه‌ی این اشعار با معماری اصیل ایرانی نیز پرداخته شده است که در پژوهش‌های معماری می‌تواند راهگشا باشد.

واژه‌های کلیدی: بنا، شعر ابنیه، شعر ساختمان، عمارت، وصف.

* دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی (گرایش ادبیات غنایی) دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران Fatima_amiri@yahoo.com

** دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران aa.ahmadi@ltr.ui.ac.ir (نویسنده مسئول)

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۳/۶/۳

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۲/۱۲/۱

DOI: 10.22099/JBA.2024.47809.4415

شابا الکترونیکی: ۷۷۵۱ - ۲۹۸۰



COPYRIGHTS ©2021 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY-NC 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited. No permission is required from the authors or the publisher.

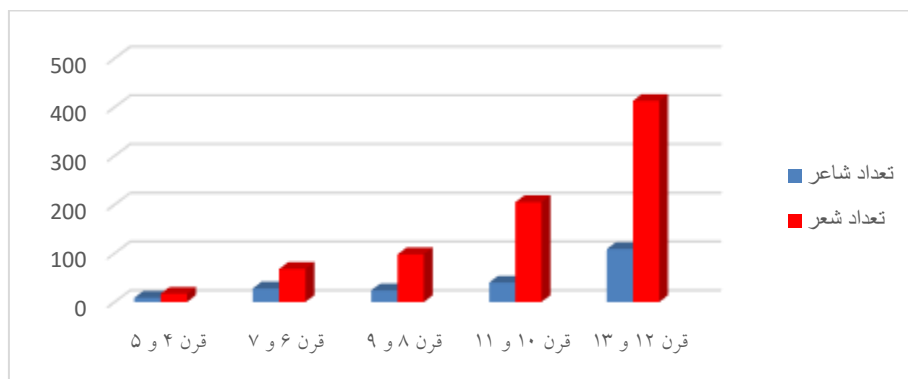
۱. مقدمه

توصیف بناها در تاریخ شعر فارسی قدمتی هزارساله دارد و در تمام دوره‌های آن قابل جستجو است. هنگامی که ممدوحان عمارتی می‌ساختند، از فضلا و شعرای دربار می‌خواستند که شعری در توصیف آن بسرایند تا در ضمن وصف بناها، نامشان در دیوان‌های شعر ماندگار شود.^۱ برای شاعران نیز یکی از موضوعاتی که هم می‌توانست رضایت و درنهایت صله‌ی ممدوحان را جلب کند و هنرمندی و استادی سراینده را نیز نشان دهد، توصیف عمارت‌های ساخته‌شده به فرمان ممدوحان بود.

در پژوهش حاضر برای آنکه بتوان سیر تحول این نوع ادبی را به صورت نسبتاً کامل نشان داد، تمام گستره‌ی شعر فارسی در نظر بوده است؛ زیرا منحصر کردن تحقیق در انواع ادبی به یک دوره‌ی خاص، به شناختی دقیق و کامل از آن نوع/انواع ادبی نخواهد انجامید؛ بنابراین ابتدا فهرستی از متون نظم و نثر (دیوان‌های شعر، تذکره‌ها، تواریخ و...) بالغ بر سیصد متن، آماده شد و پس از جستجو بیش از هشتصد شعر ساختمان در منابعی از هزار سال شعر فارسی، بنابر ترتیب تاریخی از قدیم به جدید فراهم آمد (رک. جدول و نمودار شماره‌ی ۱) و در گام بعد اغراض، قالب، ساختار، درونمایه و وجوه بلاغی آن نقد و تحلیل شد. در این جستار علاوه بر شناسایی دقیق این نوع ادبی، اطلاعات بسیار سودمندی به دست آمد که نه تنها برای پژوهش در شعر و ادبیات فارسی، بلکه برای پژوهش‌های مربوط به معماری، جامعه‌شناسی، تاریخ، بوم‌شناسی و سیاست نیز به کار می‌آید.

جدول شماره‌ی ۱: اشعار ساختمان در ادوار شعر فارسی

ماده تاریخ	نوع بنا			قالب							تعداد اشعار ساختمان در ادوار شعر فارسی			تعداد کل اشعار
	بناهای عمومی			عمارت سلطنتی	سایر	رباعی	مثنوی	قطعه	قصیده	سایر ادوار	دوره‌ی قاجار	دوره‌ی صفویه		
	سایر	مسجد	حرم											
تعداد	۳۴۳	۵۲	۶۴	۳۴۱	۱۳	۲۳	۱۱۹	۲۳۷	۴۰۸	۲۳۸	۳۱۷	۲۴۵	۸۰۰	
درصد	%۴۲,۷۵	%۶,۵	%۸	%۴۲,۶۲	%۱,۶۲	%۲,۹	%۱۴,۹	%۲۹,۶	%۵۱	%۲۹,۴	%۴۰	%۳۰,۶	%۱۰۰	



نمودار شماره‌ی ۱: شاعران و شعر ساختمان

۱.۱. پیشینه‌ی تحقیق

با آنکه تعداد شعر ساختمان در متون فارسی بسیار زیاد است، تاکنون به‌جز در موارد معدودی به پژوهش درباره‌ی آن پرداخته‌اند. نخستین بار منصور رستگارفسائی در کتاب *انواع شعر فارسی* (۱۳۷۲)، شعر ساختمان را به‌عنوان یک نوع شعری مطرح کرده است. مؤلف در این کتاب به‌اختصار، شعر ساختمان را با ذکر نمونه‌هایی از *شاهنامه‌ی فردوسی* و *دیوان فرّخی سیستانی* و *جنات عدنِ عبدی‌بیگ شیرازی* معرفی کرده و رواج سرایش صورت مستقل آن را از قرن دهم به این سو دانسته است.

تعدادی از پژوهشگران معماری و پژوهش هنر برخی اشعار ساختمان را فارغ از جنبه‌ها و ویژگی‌های ادبی و هنری فقط از نظر معماری دوره‌ی صفویه تحلیل کرده‌اند. نازنین شهیدی مارنانی (۱۳۹۵)، در مقاله‌ای باعنوان «باغ سعادت‌آباد اصفهان در آیین‌های مثنوی گلزار سعادت» کوشیده است از طریق تحلیل محتوای این متن و در موارد ممکن با تطبیق اطلاعات آن با دیگر منابع، تصویری از اجزای معماری باغ سعادت‌آباد ارائه دهد و در نهایت، طرحی کلی از پلان این باغ را ترسیم کند. سمانه یاراحمدی، محمدجواد مهدوی‌نژاد و مجتبی انصاری (۱۳۹۶)، نیز در مقاله‌ای باعنوان «بازخوانی باغ سعادت‌آباد قزوین براساس اشعار عبدی‌بیگ شیرازی...» به بازخوانی طرح این مجموعه باغ حکومتی براساس اشعار عبدی‌بیگ شیرازی و مطابقت آن با دیگر متون و اسناد تاریخی پرداخته‌اند. آخرین پژوهشی که در این زمینه منتشر شده است، مقاله‌ی «نقش اسنادی ادبیات منظوم در بازنمایی بناهای تخریب شده صفوی...» (۱۴۰۱)، درباره‌ی عمارت بهشت آیین در *مثنوی‌نامه‌ی میرزا محمدعلیا نصرآبادی* است که مصطفی گودرزی و بهزاد محبی تألیف کرده‌اند.

۲. بحث و بررسی

در این پژوهش برای شناسایی و معرفی همه‌جانبه‌ی اشعار ساختمان به‌عنوان یک نوع ادبی اغراض، قالب، ساختار، درونمایه، مناسبات و وجوه بلاغی آن نقد و تحلیل و در پایان به رابطه‌ی این اشعار با معماری اصیل ایرانی نیز پرداخته شده است.

۲.۱. اغراض

شاعران در سرودن شعر ساختمان، اغراضی مانند «وصف»، «مدح»، «تاریخ» و «اندرز» را در نظر داشته‌اند. تمایز این اغراض از یکدیگر در یک شعر گاهی بسیار دشوار است؛ اما در بیشتر موارد یکی از این اغراض در شعر بارزتر است (رک. نمودار شماره‌ی ۲).

۲.۱.۱. مدح

مدح را می‌توان مهم‌ترین غرض شعری در این نوع ادبی به حساب آورد. در بسیاری از این اشعار اگرچه عمارت دقیق و مفصل‌وصف شده باشد؛ اما غرض اصلی، مدح ممدوح بوده است. در این اشعار شاعر از وصف عمارت به‌منظور دستمایه‌ای برای مدح استفاده می‌کند. مدح بیشتر در اشعار متقدمان مانند انوری و امیرمعزی و در اشعار دوره‌ی بازگشت مانند صبای کاشانی وجود دارد (رک. نمودار شماره‌ی ۲).

آسمان بی‌مدار است این حصار استوار
آفتاب بی‌زوال است این مبارک شهریار
(امیر معزی، ۱۳۸۹: ۴۰۴)

قصر خورشید که از پایه‌ی خورشیدش سر
از چه؟ از سایه‌ی شاهنشاه خورشیدافسر
(صبا، ۱۳۴۱: ۱۵۱)

۲. ۱. ۲. وصف

در بخش عمده‌ای از اشعار ساختمان، هدف اصلی توصیف بناست. در سراسر این اشعار، رنگ‌ها و اشکال بنا و جزئیات وصف شده‌اند. هرچند شاعر به درخواست بانی، عمارتی را توصیف کرده است؛ اما به ندرت مدح یا ستایش بانی در شعر وجود دارد. گاهی شاعر فقط به ذکر نام یا به دعایی برای او بسنده کرده است. هرچند این نوع شعر در دیوان شاعران متقدم وجود دارد؛ اما وصف در سروده‌های شاعران دوره‌ی صفویه مانند عبدی بیگ شیرازی (در گذشته: ۹۸۱ ه.ق) بارزتر است. صائب تبریزی در قصیده‌ای به مطلع زیر، توصیف بنا را در نظر دارد تا مدح بانی را و در تمامی ابیات، واژه‌ی «پل» را التزام کرده است:

زنده‌رود از جلوه‌ی مستانه طوفان می‌کند
پل به آیین تمام امسال جولان می‌کند
(صائب تبریزی، ۱۳۶۴: ۳۶۱۲)

۲. ۱. ۳. اندرز

یکی از اغراض شعر فارسی، اندرز دادن یا «تصوف» است (رک. مؤتمن، ۱۳۶۴: ۸). در اشعار ساختمان نیز گاهی پند و اندرز بر وصف بنا غالب می‌شود؛ هرچند غرض اصلی، سرودن شعری برای کتابه‌ی بنا یا ماده‌تاریخ آن باشد؛ اما شاعر در ظاهر عمارت ساختن را نکوهش می‌کند و با کلیدواژه‌های مربوط به آن بنا، چون نام بنا یا اجزای آن یا مصالح به کاررفته در آن شعری را می‌سراید که نشان دهد موضوع، عمارت است. این روش بیشتر در اشعار شرف‌الدین علی یزدی دیده می‌شود. وی در بیشتر کتابه‌هایی که سروده، این شیوه را به کار برده است؛ مانند دو شعر زیر که یکی را برای کتابه‌ی عمارتی در یزد و دیگری را برای کتابه‌ی بادگیر سروده است:

وز چه در این مرحله‌ی پرگزند
«شاه‌نشین» است دل رازدان
آنکه نگنجید به عرض و سما
تا که در او جلوه کند مهر دوست
شاد دلی کوز خود آگاه شد
اهل خرد میل عمارت کنند
این سخن از گفته‌ی حق بازدان
«شاه‌نشین» ساخت دل تنگ ما
«شاه‌نشین» حرم خاص اوست
«شاه‌نشین» گفتم و خود شاه شد
(جعفری، ۱۳۴۳: ۸۲-۸۴)

آب آتش رنگ جو وین نکته از من یادگیر
سرفراز از دسترس داری ز بخت پایدار
گنج قارون خاک دان ملک سلیمان باد، گیر
دست مظلومان که ایزد دستگیرت باد، گیر
(همان: ۶۱)

معمولاً در اشعار ساختمان شاعران قبل یا بعد از توصیف، به مدح ممدوح یا بانی پرداخته‌اند؛ اما در برخی از این اشعار، شاعر پس از وصف پرطمطراق عمارت، شخص شاه را مخاطب اندرز خود قرار داده است که به نظر می‌رسد، غرض اصلی از سرایش چنین شعری اندرز است. جامی نمونه‌هایی از این شیوه دارد:

شهریارا کامگارا می‌کنم پیش تو عرض	چند نکته بر زبان نیکخواهی گوش دار
سعی در تعمیر صورت بیش از این منماکه هست	پیش معماران دارالملک معنی، عیب و عار
خانه‌ی دل در تنزل خانه‌ی گل سربلند	خانه‌ی دین در تزلزل خانه‌ی طین استوار...
فسحت منزل اگر بودی کمال، ارباب دل	کی از این فیروزه ایوان سردرآوردی به غار؟...
بوالفضولی گفتش آن به کز پی آسودگی	منزل بافسحت و زهت نمایی اختیار
گفت آن کس را که باید باریستن زین سرا	فسحت خانه ازین افزون نمی‌آید به کار
راحت خانه چه سود اینجا چو خواهد عاقبت	محنت همخانگی پیش آمدن با مور و مار..

(جامی، ۱۳۷۸، ج ۱: ۱۰۴-۱۰۵)

برخی از شاعران برای وارد کردن تصوّف و اندرز در اشعار ساختمان شیوه‌ی خاصی آفریده‌اند. شرف‌الدین علی یزدی در شعری که برای کتابه و تاریخ بنای حمّام سروده است، از نام اجزای حمّام مانند مسلخ و صفّه و از نام وسایل حمّام مانند فوطه، کیسه، شانه، مجمعه و طاس برای پند و اندرز استفاده کرده است. علاوه‌براین‌ها کاربرد واژه‌های پاک، طهارت، تطهیر، صفا آب و شستشو، حمّام را تداعی می‌کند (رک. جعفری، ۱۳۴۳: ۷۰-۷۵). وحشی بافقی نیز برای تاریخ اتمام گرمابه‌ی میرمیران با بهره‌گیری از همین شیوه با کلیدواژه‌های حمّام مانند گلخن، مسلخ، صفّه، دلّاک، موی تراشیدن، لنگ، سنگ‌پا، آب گرم و برهنه، ترکیبات و مضامین عرفانی برساخته است؛ مانند «حمّام اخلاص»، «مسلخ و ارستگی»، «لنگ تجرد»، «دلّاک هدایت» و ...

طواف درگه پیر حقیقت	اجازت نیست بی غسل طریقت
اگر ره بایدت در خلوت خاص	پیرس اوّل ره حمّام اخلاص
معاذالله زهی فرخنده حمّام	که آبش هست آب روی ایّام
به تحت الارض خورشید جهان‌سوز	به گلخن تابی او، شب کند روز
چه در بیرون در مانندی دورن آی	بنه در مسلخ و ارستگی پای...
علايق از میان نه بر کرانه	بزن لنگ تجرد عاشقانه
توجه کن به دلّاک هدایت	که آید بر سر کار عنایت...

(وحشی بافقی، ۱۴۰۱: ۳۰۹)

۲. ۱. ۴. ثبت تاریخ

تقریباً نیمی از اشعار ساختمان تاریخ بنا را در خود دارند یا به‌طور صریح یا در ماده‌تاریخی که در ابیات پایانی شعر درج شده است (رک. جدول شماره‌ی ۱ و نمودار شماره‌ی ۲)؛ اما در همه‌ی این اشعار نمی‌توان غرض اصلی را تاریخ دانست؛ بلکه در پاره‌ای از این اشعار تاریخ از دیگر اغراض بارزتر است:

آن خانقاهی که سوده بر چرخ سرش
فرموده بنا پادشاه بحر و برش
تاریخ بناست خانقاه اکبر
دروازه‌ی خانقاه تاریخ درش
(نخجوانی، ۱۳۴۳: ۶۴۸)

گاهی شاعر به درج یک عدد در شعر بسنده نمی‌کند و با هنرمندی تاریخ را متناسب با نام بنا یا بانی در ماده‌ی تاریخی مندرج می‌کند تا یک فنّ ظریف ادبی را نیز به کار برده باشد؛ به‌ویژه وقتی در بسیاری از این‌گونه اشعار، نوعی تکلف و التزام مشهود است؛ یعنی شاعر خود را مکلف کرده جمله یا واژه‌ای که حاوی عدد تاریخ است، با نام شخص یا رویداد یا موضوع هماهنگ یا برابر باشد، به کار ببرد. در بیت زیر همایی در تاریخ لوله‌کشی و بنای بیمارستان و مدرسه‌ی نمازی شیراز که به همت حاج محمد نمازی ساخته شده است، در مصراع دوم، هم سال (۱۳۷۱.ق) را درج نموده و هم نام شهر و بانی را آورده و هم به مدرسه و لوله‌کشی آب تلویحاً اشاره کرده است:

کلک مشکین سنا از بهر تاریخش نوشت
از نمازی زنده شد شیراز با فرهنگ و آب
(همایی، ۱۳۶۴: ۱۴۴)

گاهی نیز شاعر خود را ملزم می‌کند در همه‌ی مصراع‌ها عدد تاریخ را بیاورد؛ مانند قصیده‌ی زیر از صباحی بیدگلی که در تمام مصراع‌ها عدد (۱۲۰۶) را که سال احداث بناست، به حساب ابجد درج کرده است:

دارای جم‌همال، محمدحسین‌خان
کو را مدام ادهم توفیق باد رام
(صبحاحی بیدگلی، ۱۳۶۵: ۲۶۸)

علاوه بر تناسب ماده تاریخ با نام بنا و بانی یا ویژگی‌های بنا، چنان‌که پیش‌تر اشاره شد، شاعران از دعا نیز برای بیان ماده تاریخ استفاده کرده‌اند:

جاودان بادا که تاریخ بلند اقبال اوست
«مسند اقبال این تالار بادا جاودان»
(صائب تبریزی، ۱۳۶۴: ۱۳۷۰)

بهر تاریخ زد رقم هاتف
«جاودان داردش خدا آباد»
(هاتف اصفهانی، ۱۳۹۵: ۱۲۱)

غرض چون یافت اتمام از پی تاریخ سال آن
خرد گفتا که «معمور این عمارت باد جاویدان»
(صبور کاشانی، ۱۳۹۵: ۲۳۹)

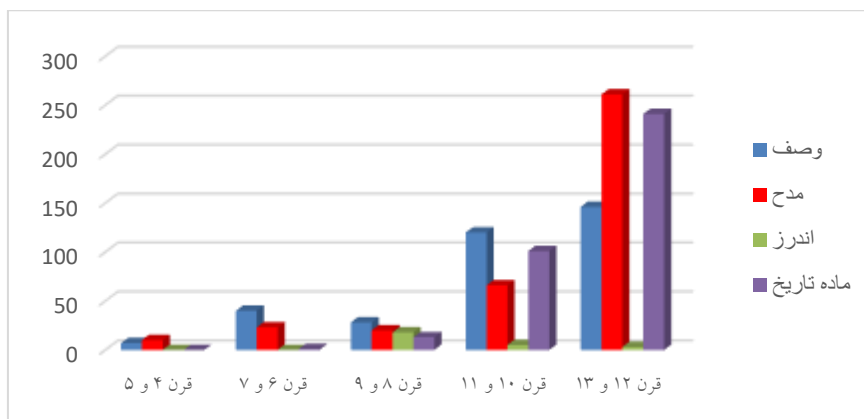
اولین ماده تاریخ در شعر ساختمان را انوری در توصیف و تاریخ عمارت مجدالدین ابوطالب در قصیده‌ای آورده است:

ای نمودار سپهر لاجورد
گشته ایمن چون سپهر از گرم و سرد...
بوده در نرد فرح نقشش به کام
تا فرح تاریخ این نقش است و نرد
(انوری، ۱۳۴۷: ۱۳۰)

این ماده تاریخ که با استفاده از حساب جمل سروده شده، اولین ماده تاریخ در این نوع است که عدد (۵۴۲) در ترکیب «نرد فرح» پنهان است. چنانچه طبق تعریف نخجوانی از ماده تاریخ که در کتاب مواد التواریخ ارائه کرده، اشعار

قبلی مانند شعر فردوسی و کسایی را که تاریخ در آن‌ها به صراحت آمده، ماده تاریخ به حساب نیاوریم (رک. نخجوانی، ۱۳۴۳:ب). این شعر را می‌توان اولین ماده تاریخ در تاریخ شعر فارسی به حساب آورد.

بیشترین ماده تاریخ در یک قصیده را ناطق اصفهانی در قصیده‌ای ۶۲ بیتی به مطلع «این قبه گنبدی است به زیور برآمده/ یا پاک گوهری است پر از زیور آمده» در تاریخ تذهیب گنبد حرم حضرت معصومه (س) آورده است (بسمل شیرازی، ۱۳۷۱: ۵۳۰). وی در تمامی ۱۲۴ مصراع، عدد (۱۲۱۸) را به حساب جمل درج کرده است. بیشترین اشعار حاوی ماده تاریخ سروده‌ی فتحعلی خان صباست.



نمودار شماری ۲: اغراض شعر ساختمان

۲.۲. قالب

قصیده پرکاربردترین قالب برای سرودن شعر ساختمان است و در تمام دوره‌های تاریخی آن، یعنی از قرن چهارم تا قرن سیزدهم رواج داشته است. تقریباً نیمی از اشعاری که در وصف ساختمان‌ها و عمارت‌ها یافت شد، در قالب قصیده است (رک. نمودار شماری ۳). با آنکه کمترین تعداد ابیات قصیده را پانزده بیت دانسته‌اند (رک. همایی، ۱۳۸۹: ۷۸)، در این نوع شعر قصیده‌ای سه‌بیتی نیز وجود دارد و به‌درستی دانسته نیست که باقی‌مانده‌ی قصیده‌ای بلند است یا خود قصیده‌ای مستقل بوده یا حتی قطعه‌ای با مطلع مصرع. شعر زیر قصیده‌ای سه‌بیتی سروده‌ی عمادی شهریار، شاعر قرن ششم، است:

وی صفحہ‌ی دلگشای میمون	ای بقعه‌ی فرخ همایون
صدبار به حسن و رتبت افزون	از طاق سپهر و باغ جنت
هر شب دل آسمان شود خون	از غیرت رفعتش گه شام

(عمادی شهریار، ۱۳۸۱: ۱۶۳)

بلندترین قصیده در توصیف ساختمان، سروده‌ی فتحعلی خان صبا با ۱۰۷ بیت است که حاوی ماده تاریخ بنا نیز هست (رک. صبا، ۱۳۴۱: ۱۳۸-۱۴۱).

پس از قصیده پرکاربردترین قالب برای سرودن شعر ساختمان، قطعه است که در تمام دوره‌ی موردنظر رواج داشته است. اولین قطعه در این نوع شعر از آن مسعود سعد سلمان است (رک. مسعود سعد سلمان، ۱۳۶۵: ۸۳۷) و بیشترین

قطعه (۲۶ قطعه) در دیوان صباحی بیدگلی وجود دارد. کوتاه‌ترین قطعه‌ها در این نوع در دو بیت سروده شده‌اند که بیشتر ماده‌تاریخ ساختمان‌اند. قطعاتی هم بدون تاریخ در دو بیت دیده می‌شود:

اساس این بنای بخت‌بنیاد که یارب باد فیضش جاودانی
مبارک باد و چون نبود مبارک بنایی را که شاه ماست بانی
(وحشی بافقی، ۱۴۰۱: ۲۳۶)

اولین شعر ساختمان در سده‌ی چهارم که دو بیت آن باقی مانده، در قالب مثنوی و از رودکی است:

بهشت‌آیین سرایی را پرداخت ز هرگونه درو تمثال‌ها ساخت
ز عود و چنودن او را آستانه درش سیمین و زرین پالکانه
(رودکی، ۱۳۹۳: ۱۸۶)

با آنکه مثنوی نخستین قالب برای سرودن شعر ساختمان بوده است؛ اما پس از رودکی تا زمان حسن دهلوی (قرن هفتم و هشتم) قالب مثنوی در این نوع دیده نمی‌شود. در دیوان حسن دهلوی چهار شعر در قالب مثنوی در وصف بنا وجود دارد (رک. حسن دهلوی، ۱۳۸۳: ۵۵۶-۵۵۷). پس از حسن دهلوی در سده‌ی ده و یازده هجری مثنوی، قالب اصلی برای سرایش این نوع شعر است تا جایی که آثار مستقلی در وصف عمارات صفوی در این قالب سروده شده‌اند. عبدی بیگ شیرازی (متخلص به نویدی) به درخواست شاه‌طهماسب صفوی (حک ۹۳۰-۹۸۴ق) مثنوی مستقلی به نام «جنات عدن» در وصف عمارت‌ها و باغات سعادت‌آباد و جعفرآباد قزوین سرود. تأثیر تبریزی نیز یک مثنوی به نام «گلزار سعادت» در وصف عمارت‌ها و پل‌های اصفهان در زمان شاه‌عباس دوم (حک ۱۰۵۲-۱۰۷۷ق) سروده است. میرزا محمدعلیا نصرآبادی نیز مثنوی‌نامه‌ی عمارت دولت‌خانه‌ی شاهنشاهی را در وصف عمارت بهشت‌آیین در زمان سلطان حسین صفوی سروده که علاوه بر وصف بنا، برخی از کارهای معماری مانند تعریف گچکاری و توصیف گچ را نیز در ضمن اشعار گنجانده است. وحید قزوینی در کلیات اشعارش مثنوی‌هایی در وصف عمارت شاهی و عمارت «همایون‌تپه» سروده است. وی مثنوی مستقلی به شیوه‌ی شهرآشوب بر وزن شاهنامه در پنج بخش دارد که بخش چهارم این مثنوی، در وصف برخی از اماکن معروف اصفهان در دوره‌ی صفویه است. قالب مثنوی برای سرودن شعر ساختمان، هم‌زمان در دربار هند نیز رواج یافت. قدسی مشهدی و کلیم کاشانی که هر دو ملک‌الشعراء دربار شاهجهان (حک ۱۰۳۷-۱۰۶۸ق) بودند، بسیاری از عمارات سلطنتی آگره (اکبرآباد) را در قالب مثنوی توصیف کرده‌اند. دقیق‌ترین توصیف عمارت‌ها در قالب مثنوی سروده شده است.

اولین رباعی در وصف ساختمان در تذکره‌ی مجالس‌النفایس، به «سید اختیار» در قرن نهم منسوب شده است:

حوضی است که خواهیم از صفایش گویم صدبار دهن به آب حیوان شویم
هرچند که هست منبعش چشمه‌ی خضر تاریخ وی از ساقی کوثر جویم
(نوایی، ۱۳۳۲: ۹۵)

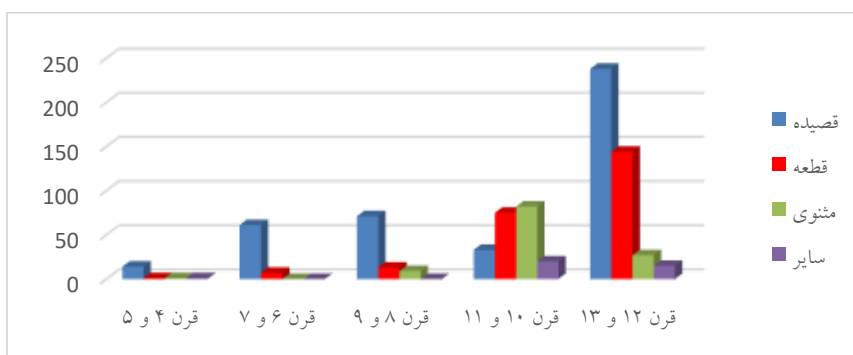
بیشترین تعداد رباعی (۲۰ رباعی) در توصیف بنا نیز در دیوان فتحعلی‌خان صبا دیده شد (رک. صبا، ۱۳۴۱: ۷۰۰). در مجموع شش ترکیب‌بند و چهار ترجیع‌بند در میان اشعار ساختمان یافت شد. برخی از این اشعار مانند ترجیع‌بندی که نظیری نیشابوری در قرن دهم در وصف آیین‌بندی آگره سروده، به‌طورمستقل هر پنج بند در وصف

ساختمان است (رک. نظیری نیشابوری، ۱۳۸۹: ۵۲۸-۵۲۹) و در برخی مانند ترکیب‌بند و ترجیع‌بندهای صبا کاشانی (رک. صبا، ۱۳۴۱: ۵۳۴، ۵۴۲، ۵۵۹) یک بند به‌طور مستقل در وصف کاخ و بقیه‌ی بندها در مدح ممدوح سروده شده است. در میان اشعار ساختمان تعداد اندکی «مفردات» نیز وجود دارد که آن‌ها را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد: دسته‌ی اول تکبیت‌هایی که دیوان سرایندگان آن‌ها از بین رفته و گویا این تکبیت‌ها نیز باقی‌مانده‌ی قطعه یا قصیده‌ای باشند، دسته‌ی دوم مفرداتی که حاوی ماده‌تاریخ بنا هستند و دسته‌ی سوم مفرداتی که می‌توان شعر مستقل ساختمان به حساب آورد.

تا که شد بنیاد این کاخ همایون بر زمین آسمان گوید همی «یالیتنی کنت تراب»

(نواب شیرازی، ۱۳۷۱: ۸۴)

در میان اشعار ساختمان، یک مستزاد از امیررفیع‌الدین حیدر معمایی در قرن یازدهم، حاوی ماده‌تاریخ نیز یافت شد (رک. تقی‌الدین کاشی، ۱۳۸۴: ۵۹).



نمودار شماره‌ی ۳: قالب شعر ساختمان

۳.۲. ساختار

ساختار اشعار ساختمان با اغراض و قالبی که شاعر برای آن برگزیده است، پیوند دارد؛ از این رو ساختار این نوع شعر را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد:

۳.۲.۱. اشعار ساختمان که در قالب قصیده سروده شده‌اند، اغلب وصف و مدح به هم آمیخته‌اند. چینش وصف و مدح در این اشعار به دو صورت زیر است:

شاعران مدیحه‌سرا که می‌دانستند توصیف عمارت‌های زیبا و باشکوه از موضوعات جذاب برای ممدوحان است، وصف عمارت را تشبیب یا نسیب قصیده قرار داده و با حسن تخلصی، وصف عمارت را به مدح ممدوح پیوسته‌اند.

بهار زینت باغی نه باغ، بلکه بهار
 بدین صفات به میمند، باغ خواجه ماست
 بهار خانه‌ی مشکوی و مشکبوی بهار...
 که کدخدای جهان است و سید احرار

(عنصری، ۱۳۶۳: ۹۶)

چه کاخ است این که دارد باغ جنت بوی گلزارش
 عروس چرخ هر روز از شبستان زان به بام آید
 چه باغ است این که دارد شاخ طوبی داغ ریحانش...
 که خواند صاحب اعظم بدین کاشانه مهمانش

(خواجوی کرمانی، ۱۳۹۱: ۵۶)

مَنْت مَكش ز دَقّت بَنّا كه حسن تو از زیور تصرف بانى است دلگشا...
خوش منظرى چنان كه سزد گر نظر كند بر حسن دلگشای تو شاه جهانگشا
(ناظم هروی، ۱۳۷۴: ۵۸۷)

این قصیده‌ها نیز اغلب با شریطه و دعای تأیید برای بنا یا بانى به پایان می‌رسد:

از باد و خاک و آتش و آبت زیان مباد تا باد و خاک و آتش و آب است در جهان
(جعفری، ۱۳۴۳: ۵۱)

در ساختار دیگر قصاید، ابتدا شاعر ممدوح را مدح می‌گوید؛ سپس به کارهای بزرگ او که از آن جمله احداث بناست، اشاره می‌کند و به وصف آن می‌پردازد:

فخر ملکان، فتحعلیشاه جهاندار کامل به شهان از ملک العرش شهنشاه
ای ملک زمین نام تو امروز در افواه دانی که چه پیرایه‌ی این برشده خرگاه...
کاشانه‌ی کاشان به چنین مدرسه آراست کز عرصه‌ی آن حور ز فردوس در اکراه
هر بامی ازین منظر میناوش جانبخش هر شامی از این طارم مینوون دلخواه
نی گرچه به کنجیش یکی حجره‌ی تاریک نی گرچه به بامیش یکی پلّه‌ی کوتاه...
(صبا، ۱۳۴۱: ۴۶۶-۴۶۷)

در قالب قصیده گاهی شاعر از دعا یا لغز برای وصف و معرفی بنا استفاده کرده و در پایان بانى را نیز دعا گفته است:

این همایون مقصد دنیا و دین معمور باد جاودان چون هست معمور از حوادث دورباد
وز نوای پاسبان نوبتش هر نیم‌شب در دماغ آسمان از نعمت خوش سور باد
استناد کنگره‌ش را ماه بادا نیم‌دست واندر و پیوسته عالی مسند دستور باد
چهاردیوارش که از هر چهار ارکان برترند از جمالش جاودان این نه فلک مسرور باد
ای سلیمان دوم را آصفی آصف اثر تخت و بالش تا ابد بر هر دوتان مقصور باد
(انوری، ۱۳۴۷: ۱۰۳)

جمال‌الدین عبدالرزاق اصفهانی با استفاده از صنعت لغز، شعر زیر را در توصیف حمام سروده است:

چه گویی چیست آن شکل مدور که دارد خیمه با گردون برابر
چو ایوانی کشیده بر سر آب چو خرگاهی زده بر روی آذر
هوایش روشن و آبش موافق زمیانش صافی و سقفش مصور
بهشت است او از آن معنی که هرگز نه سرما اندرو بینی و نه خور
به دوزخ نیک می‌ماند از آن روی کز آتش می‌شود کارش مقرر...
(جمال‌الدین اصفهانی، ۱۳۶۲: ۱۹۱-۱۹۲)

۲.۳.۲. در اشعار ساختمانی که در قالب قطعه سروده شده‌اند، نام شاه یا دوره، نام بانى، نام بنا و تاریخ قید شده است.

این اشعار در حکم شناسنامه‌ی بنا هستند که بسیاری از آن‌ها به‌منظور کتابه سروده شده‌اند. این اشعار یا با نام دوره یا

با نام بانی آغاز می‌شوند و با ذکر تاریخ پایان می‌یابند. نمونه‌های زیر مطلع قطعه‌هایی هستند که با «عهد یا دوره» آغاز شده‌اند:

<p>در زمان دولت سلطان سلیمان زمان به عهد دولت فتحعلی‌شاه، خسرو عادل در موارد بسیاری قطعه با نام بانی آغاز شده است: زبده‌ی اهل کرم، آق‌بانی ساخت یکی تکیه که از خرّمی فخر زمانه، حضرت حاجی ابوالحسن یاد آمدش چو از شه لب‌تشنگان، حسین</p>	<p>خسرو والا نسب، ظلّ خدا عزّوجلّ (تأثیر تبریزی، ۱۳۷۳: ۱۰۴) که مولای موالی آمد و فخر معالی شد (صبا، ۱۳۴۱: ۶۳۸) صاحب عزّ و شرف و احتشام دم زنده از روضه‌ی دارالسلام (مشتاق اصفهانی، ۱۳۶۳: ۱۶۶) کو راست صفوت صفی و خلّت خلیل کرد از برای تشنه‌لبان برکه‌ای سیل (آذر بیگدلی، ۱۳۶۶: ۳۰۳)</p>
--	--

۲.۳.۳. در قالب مثنوی برخلاف قصیده، مدح جایگاه چندانی ندارد در بیشتر موارد شاعر در بیت نخست به نام بنا اشاره می‌کند و تا پایان به وصف دقیق و ستایش‌آمیز آن می‌پردازد:

<p>تعالی‌الله چه شروانی سرایی بهبشتی دلفروزی جانفزایی (نویدی، ۱۳۹۵: ۷۶)</p>

در معدودی از مثنوی‌ها مانند مثنوی‌نامه نصرآبادی ماده‌تاریخ وجود دارد و در بیشتر موارد مثنوی با دعایی برای ماندگار بودن بنا یا بقای بانی به پایان می‌رسد:

<p>ز تاریخ بنا هم ناگزیر است پی تاریخ گفتا صدق نیت الهی تا بود گلزار عالم فضایش سیرگاه گلرخان باد (نصرآبادی، بی‌تا، گ: ۸۱)</p>	<p>که کلک بندگی را دستگیر است مکان دولت و جای سعادت ز آب خضر باد این باغ خرّم بر رو نوبر این بوستان باد (قدسی مشهدی، ۱۳۷۵: ۸۱۰)</p>
--	---

۲.۴. درونمایه

۲.۴.۱. انواع بنا

در اشعار ساختمان، انواع بنا با اجزا و جزئیات آن، چنان باظرافت و دقت توصیف شده‌اند که برخی از محققان (چنانچه در پیشینه‌ی پژوهش ملاحظه شد)، توانسته‌اند با «آنالیز» این اشعار، «پلان» ساختمان را ترسیم کنند. انواع بناها در این اشعار را می‌توان به دو دسته بناهای سلطنتی و بناهای عمومی تقسیم کرد (رک. جدول شماره‌ی ۱).

۲. ۴. ۱. ۱. عمارات سلطنتی

نزدیک به نیمی از اشعار ساختمان دربار‌های سلطنتی سروده شده است. (دیوانخانه، دولتخانه، دارالسلطنه، دولتسرا، عشرتسرا، جشنگاه، خوابگاه شاهی، مشکوی، حرمسرا و عمارت شکارگاه یا دسکره) (رک. نویدی، ۱۳۹۵: ۹۳-۹۴).

۲. ۴. ۱. ۲. بناهای عمومی

بناهای عمومی که در اشعار ساختمان توصیف شده‌اند، شامل دسته‌های زیر هستند:

- بناهای فرهنگی و آموزشی (مدرسه، کتابخانه، دارالحديث و بیمارستان)؛
- بناهای مذهبی (مسجد، کلیسا، حرم، آرامگاه، تکیه و خانقاه) (رک. اوحدی مراغه‌ای، ۱۳۴۰: ۳۹۷)؛
- بناهای آبی (آب‌انبار، چاهخانه، سقاخانه، کاریز، سد، پل و حوض) (رک. قطران تبریزی، ۱۳۶۳: ۲۶۶)؛
- بناهای جدید (موزه، چاپخانه و ورزشگاه) (رک. شیبانی، ۱۳۷۱: ۲۸۲-۲۸۰)؛
- سایر بناها (بازار، گرمابه، کاروانسرا، مهمانسرا، رباط، گازرگاه، قلعه، میدان، طاوسخانه، نارنجستان و آسیا) (رک. حسینی خلیفه، ۲۰۲۱م: ۱۴۰)؛

از میان بناهای عمومی، مدرسه، مسجد، حرم، قلعه و گرمابه دارای بیشترین اشعار هستند.

۲. ۴. ۲. اجزای بنا

در توصیف بناها تقریباً تمامی اجزای اصلی و حتی اجزای فرعی نام برده و توصیف شده است. این اجزا را با توجه به آنچه در اشعار ساختمان آمده است، می‌توان به صورت زیر تقسیم کرد:

- اجزای پیکره‌بندی سرا: اسکلت بنا (پی، دیوار، ستون و سقف و اندام‌های مربوط به آن، گنبد و قبه)؛
 - اجزای ورودی سرا (جلوخان، طاق‌نما، در، درگاه، آستانه، هشتی و دهلیز یا دالان)؛
 - اجزای میانسرا (صحن خانه، حوض، باغچه و خیابان در صحن باغ‌های سلطنتی)؛
 - اجزای حد فاصل میان سرا و بخش درونی (ایوان، صفه، رواق و ستاوند)؛
 - اجزای درونی سرا: شاهنشین یا اُرسی‌خانه (درگاه، آستانه، پیشگاه و صدر)؛
 - بخش‌های تابستانی (سردابه، خیشخانه، حوض‌خانه، تالار، مهتابی، فروار، بادگیر، مرواح‌خانه، خیری‌خانه و طنبی) بخش‌های زمستانی (کاشانه، تابخانه و تچر) و سایر بخش‌ها مانند: مطبخ، سرسرا، طارم و گلجام.
- در اشعار ساختمان اجزای فرعی بنا مانند پنجره و پالکانه، بخاری، ازاره و کنگره و حتی چفت، زنجیر، زلفین، گلمیخ درها، گلجام و شمشه‌ها نیز توصیف شده است.

ز گلمیخ درش خورشید در تاب دو پیکر، پیکرش را کرده محراب

دل از زلفین و زنجیرش چنان شاد که چشم و زلف دلبر رفته از یاد

(قدسی مشهدی، ۱۳۷۵: ۸۰۶)

شاعران اجزای بناهای دیگر مانند مسجد، گرمابه و قلعه را نیز وصف کرده‌اند. اجزای مسجد که در اشعار وصف شده‌اند، علاوه بر اجزای پیکره‌بندی عبارت‌اند از: شبستان، طاق، رواق، گنبد، گلدسته، مقصوره، محراب، منبر، صحن و حوض.

ز اوج مقصوره‌ی تو پیش ملک
اعتراف قصور کرده فلک
(اوحدی مراغه‌ای، ۱۳۴۰: ۳۹۷)

بخش‌های گرمابه (بینه یا مسلخ، گرمخانه، خزینه، دستک، نوره‌خانه، تون یا گلخن و اجزای فرعی مانند گلجام).
نسیم بینه‌ی او می‌رسد مگر ز بهشت
که عطربیز بود همچو بوی گل به مشام
(مشتاق اصفهانی، ۱۳۶۳: ۱۶۵)

- اجزای قلعه نیز شامل برج، بارو، حصار، سور، دراجه، دروازه، فصیل، خندق، خاکریز، کدواده و کنگره (بارو، حصار و سور مجازاً به جای قلعه نیز به کاررفته است) در اشعار ساختمان توصیف شده‌اند.

به گرد قلعه به صد شکل باره‌ای محکم
به پیش باره به صد نوع خندقی منکر
رسیده خندق او را به پشت ماهی، قعر
گذشته باره‌ی او را ز برج ماهی، سر
(رشید و طوطا، ۱۳۹۸: ۳۳۰)

۲. ۵. وجوه بلاغی

شاعران از اعجاب و تشخیص و گاهی از تکرار برای توجه و تمرکز بیشتر مخاطب به توصیف عمارت بهره برده‌اند. از میان هشتصد شعر ساختمان نزدیک به دویست شعر با خطاب به عمارت، با شبه‌جمله‌های عاطفی مانند حَبِّدَا، تبارک‌الله، زهی و مانند آن یا استفاده از جمله‌های پرسشی یا تجاهل‌العارف آغاز می‌شود (رک. نمودار شماره‌ی ۴). یکی از مهم‌ترین راه‌های شناسایی و ردیابی شعر ساختمان توجه به همین وجوه بلاغی است که به آن می‌پردازیم:

۲. ۵. ۱. اعجاب

در شعر ساختمان شاعر برای بیان اوج شکوه و زیبایی عمارت، به سه روش شگفتی خویش را نشان می‌دهد:
۲. ۵. ۱. ۱. شاعر مطلع شعر را با شبه‌جمله‌های عاطفی مانند حَبِّدَا، زهی، خهی، بنامیزد، تبارک‌الله، تعالی‌الله، لوحش‌الله، شگفتا، و یحک، مرحبا و.. آغاز می‌کند:

خه خه این فردوس اعلا کی به دیدار آمده‌است
بس همایون طایر و فرخنده دیدار آمده‌است
(اثیر اخسیکتی، ۱۳۹۸: ۴۲۰)

حَبِّدَا معموره‌ی دربند و این عالی حصار
هست بنیادش چو سدّ دولت شه استوار
(بدر شروانی، ۱۳۹۷: ۴۹۲)

در برخی از این نوع اشعار، شاعر برای تأثیر بیشتر شعر بر مخاطب، خطاب و اعجاب را همراه کرده است:

لوحش‌الله ای همایون کاخ گردون آستان
بارک‌الله ای فلک‌درگاه کیوان پاسبان
(نوآب شیرازی، ۱۳۷۱: ۳۹۷)

زهی ای معبد عالی خهی ای کعبه‌ی والا
تو را پی در پی ماهی، تو را سر در سر جوزا
(همان: ۴۱۵)

۲. ۵. ۱. ۲. روش دیگر استفاده از جمله‌های پرسشی یا تجاهل‌العارف است.

این گلستان است یا صحن حرم یا بوستان؟ این شبستان است یا بیت‌الحرم یا آسمان؟
(سلمان ساوجی، ۱۳۷۱: ۲۸۳)

یارب این باغ ارم یا شادیاخ خرم است؟ یارب اصطرخ است این یا چشمه‌سار زمزم است؟
(ابن‌یمین، ۱۳۴۴: ۴۳)

این چه حرم این چه بهشت این چه بناست؟ دل در اندیشه که بی‌واسطه این کار خداست
(تأثیر تبریزی، ۱۳۷۳: ۷۳)

۲. ۵. ۱. ۳. بیان شگفتی با تکرار نام عمارت به تنهایی یا همراه با صفت عاطفی «چه». این شیوه بیشتر در اشعار شاعران دوره‌ی قاجار، مانند صباحی و صبا دیده می‌شود:

چه خندق آنکه پیشش بود چون چشمه‌ای قلزم چه خندق آنکه در جنبش بود چون دجله‌ای عمان
(صباحی بیدگلی، ۱۳۶۵: ۲۸۳)

قصری آراسته چون روضه‌ی مینو از زیب قصری افراخته چون گنبد مینا از فر
قصری آشوفته از شرم نگارش مانی قصری افروخته از رشک طرازش آزر
(صبا، ۱۳۴۱: ۱۵۱)

چه مسجد خادمان بوم آن با خسروان همسر چه مسجد مقربان بام آن با قدسیان همدم
چه مسجد خاک‌پاک آن ز رتبت قبله‌ی بطحی چه مسجد آب صاف آن ز غیرت آتش زمزم
(همان: ۳۱۹)

۲. ۵. ۲. تشخیص

شاعر برای توجه و تمرکز بیشتر مخاطب به دو روش به عمارت شخصیت می‌بخشد؛ در روش اول بنا را مانند انسانی موردخطاب قرار می‌دهد؛ حتی مانند قصاید مدحی در پایان با شریطه و دعای تأیید برای عمارت، قصیده را به اتمام می‌رساند. بسیاری از بناها مانند قصر، مسجد، حرم، مدرسه، خانقاه، گرمابه و قلعه و برخی از اجزای بنا مانند گنبد موردخطاب شاعر قرار گرفته‌اند:

ای قبه‌ی ایوان همایون تو خورشید وی طرف کمرهای غلامان تو ناهید
(عبدالواسع جبلی، ۱۳۶۱: ۶۱۰)

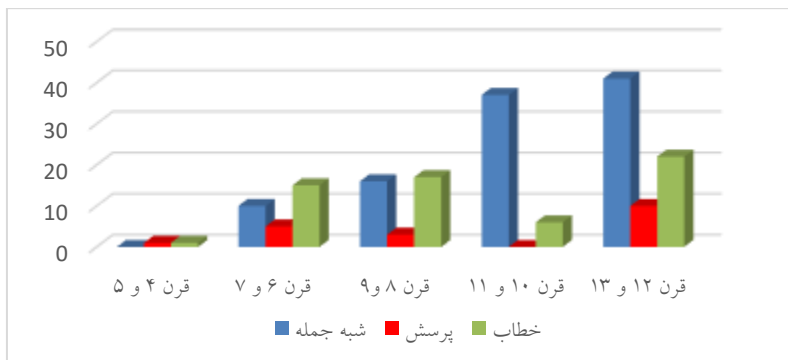
ای که رضوانت فرستد روضه‌ی دارالسلام سبجه‌گردانان گردون کرده در صحت مقام
(خواجوی کرمانی، ۱۳۹۱: ۸۱)

در روش دوم گاهی شاعر خود از زبان عمارت سخن می‌گوید:

من که این صفه‌ی همایونم دایه‌ی خاک و طفل گـردونم
(انوری، ۱۳۴۷: ۳۴۶)

منم که تاج سر چرخ خاک پای من است چو ذره رقص‌کنان مهر در هوای من است
(جامی، ۱۳۷۸، ج ۱: ۱۱۹)

منم که کرسی افلاک زیر پای من است چو مهر و ماه یکی خشت در بنای من است
(وفا زواره‌ای، ۱۳۸۵: ۲۵۶)



نمودار شماری ۴: وجوه بلاغی

۲.۶. مناسبات

شاعران اوزان محدودی را برای سرایش شعر ساختمان برگزیده‌اند. این وزن‌ها بیشتر در بحر رمل مثنی/ مسدس مخبون/ محذوف و هزج مثنی/ مسدس سالم/ محذوف/ مجتث مخبون محذوف و مضارع مثنی اخرب مکفوف محذوف‌اند (رک. نمودار شماره ۵). علاوه بر اشتراک در اوزان شاعران گاهی در ردیف و قافیه و انتخاب واژگان به «استقبال» شعر یکدیگر رفته‌اند.

به فال همایون و فرخنده اختر به بخت موفی و سعد موفّر

(ازرقی، ۱۳۹۸: ۲۳)

به فرخنده فال و به فرخنده اختر به نو باغ بنشست شاه مظفر

(فرخی سیستانی، ۱۳۹۳: ۵۳)

حبّذا طاقی که جفت این رواق اخضر است وز بلندی مر زمین را آسمانی دیگرست

(ابن یمین، ۱۳۴۴: ۳۱)

حبّذا قصری که ایوانش ز کیوان برتر است قبه‌ی والای او بالای چرخ اخضرست

(جامی، ۱۳۷۸، ج ۱: ۱۰۶)

حبّذا کاخی که ایوانش ز کیوان برتر است آفتاب و مه دو خشت و آسمانش منظرست

(همای شیرازی، ۱۳۶۳: ۵۳)

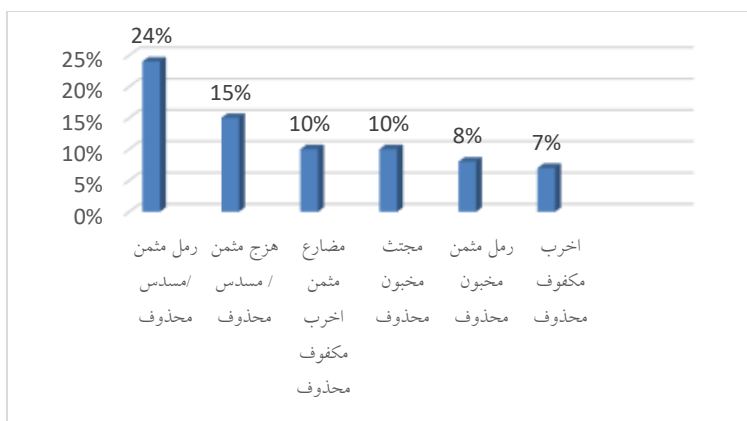
این همایون مقصد دنیا و دین معمور باد جاودان چون هست معمور از حوادث دور باد

(انوری، ۱۳۴۷: ۱۰۳)

این همایون جای برصاحب همایون بادو هست طایرش چون سایه‌ی اقبال میمون باد و هست

(اثیرا خسیکتی، ۱۳۹۸: ۴۱۸)

تا سپهر از مهر بر سر افسر زر یافته ***	کی چو این شاهنشه زرینه افسر یافته (صبا، ۱۳۴۱:۴۶۱)
تا قلزم ژرف فلک، فلک مدور یافته ***	کج سیر و کج بنیادتر زین دور کمتر یافته (مسجدی، ۱۳۹۵:۲۸۵)
زهی ای معبد عالی خهی ای کعبه والا ***	تو را پی در پی ماهی تو را سر در سر جوزا (نواب شیرازی، ۱۳۷۱:۴۱۵)
زهی ای قبله‌ی علیا خهی ای کعبه‌ی ثانی	که هم بنیان اسلامی و هم ارکان ایمانی (مسجدی، ۱۳۹۵:۲۶۲)



نمودار شماره‌ی ۵: اوزان رایج در شعر ساختمان

در توصیف عمارت‌ها، شاعران مضامین بسیاری را آفریده‌اند که برخی از آن‌ها مورد استقبال شاعران دیگر هم قرار گرفته است؛ برای نمونه در اشعار زیر ضمن توصیف حوض و فواره‌ها برای موسیقی زیبای آب آن‌ها مضامینی آفریده شده است:

فواره در ترانه ز منقار مرغ او در باغ دهر کم زده مرغی چون این نوا (جامی، ۱۳۷۸، ج ۱: ۱۱۵)	آب فواره‌اش ترانه‌سرای بر صدای ترانه جسته ز جای (همان: ۷۷۷)
حوض پیرامنش از کثرت فواره بود باغ سروی که در او فاخته در فریاد است (صیدی طهرانی، ۱۳۶۴: ۵۷)	بوده چون پولاد بنیادی فاما آبدار آب او را هست آواز تری، دارید گوش (امیری هروی، ۱۳۹۳: ۱۰)
گلش آسوده از صوت هزار است که مدهوش از صدای آبشار است (قدسی، ۱۳۷۵: ۷۸۵)	

حوض و جویت چو رشته‌ی طنبور موج مضراب نغمه‌ی بم و زیر
(همان: ۴۰۳)

در بسیاری از اشعار ساختمان شاعر ادعا دارد که آسمان و اجرام فلک مانند خورشید و ماه گوی مجمر، خشت بنا یا قندیل عمارت او هستند.

ای بر ایوان تو چون قندیل در خور آسمان عود سوز روضه‌ات را گوی مجمر آسمان
(آذری اسفراینی، ۱۳۸۹: ۶۸)

طمع داشت گردون که قرص قمر شود خشت و فرشش ولی بود خام
(سلمان ساوجی، ۱۳۷۱: ۲۶۹)

فلک به روشنی مهر و ماه قندیلی است که سال و ماه و شب و روز بر درش درواست
(قبولی هروی، ۱۳۸۶: ۱۴۶)

چرخ بر معمار او گاه عمارت عرضه کرد خشت مهرومه که‌این از سیم‌ناب و آن زراست
(جامی، ۱۳۷۸، ج ۱: ۱۰۶)

شاعران برای نشان دادن بلندی عمارت، مضامینی را بر ساخته‌اند؛ برای نمونه خمیده راه رفتن پاسبان را بدان سبب دانسته‌اند که سرش به چرخ می‌ساید و یا هنگام دیدن اوج بنا کلاه از سر می‌افتد.

وان قصر کوه‌پیکر انجم بقا درو پهنای خاک دارد و بالای آسمان
ز آسب چنبر فلک اندر فراز او بر کنگره خمیده رود مرد پاسبان
(ازرقی هروی، ۱۳۹۸: ۱۲۷)

چو آسمان به سوی قصر شاه کرد نظر ز رفعتش ز سر آسمان فتاد کله به در
(بدرالدین چاچی، ۱۳۷۸: ۲۷۵)

گر به چرخش سر نساید، چون رود؟ بر فراز آن خمیده پاسبان
(مجمر اصفهانی، ۱۳۴۵: ۲۰۳)

تعالی الله ز بس عالی بنا گشته است ایوانش گه نظاره‌ی سقفش کلاه از سر نهد کیوان
(صبور کاشانی، ۱۳۹۵: ۲۳۲)

به جایی رسیدی به اقبال شاه که افلاک را از سر افتد کلاه
(وحید قزوینی، ۱۳۸۴: ۶۸۷)

۲.۷. شعر و معماری

میان ادبیات و معماری همواره رابطه‌ای دوسویه برقرار بوده است؛ از یک سو معماران در کتبه‌ها و هنرهای تزئینی وابسته به معماری نظیر کاشی، معرّق، منبت از شعر و به‌ویژه شعر ساختمان بهره برده‌اند و اشعار بسیاری از این طریق حفظ شده‌اند و از سوی دیگر توصیف دقیق و باشکوهی از برخی بناها در اشعار فارسی باقی مانده است که بسیاری در

اثر گذر زمان یا حمله‌ی مهاجمان نابود شده‌اند. در اشعار ساختمان علاوه بر وصف ابنیه‌ی تاریخی از طراحی و بافت شهری تا بسیاری از دقایق و ظرایف معماری مانند طرح، سبک، انواع، مصالح و ابزار وصف شده است.

۲.۷.۱. طراحی و بافت شهری

شاعران علاوه بر آنکه بناها را به‌طور مستقل به تصویر کشیده‌اند، طراحی و بافت شهرهای قدیم شامل کهندژ، شارستان و ربض را نیز در اشعار خود ترسیم کرده‌اند.

حصن برونیش ز عالم برون
عالم بیرونش به حصن اندرون
حصن درونیش تو گویی مگر
چرخ به زیر است و حصارش زیر
(امین احمد رازی، ۱۳۷۸: ۷۷)

سوزنی سمرقندی در قصیده‌ی زیر بنای ربضی که ممدوح وی صاحب‌الصدر عمر ساخته، وصف کرده است:
زین قبل تا حصن دینش باشد آبادان ربض
کرد آباد آن ربض تا شد حصین این مستقر
خصم دنیا را ظفر نبود به ما بر زین ربض
خصم دینش را نباشد زان ربض بر وی ظفر
(سوزنی سمرقندی، ۱۳۳۸: ۱۸۹)

۲.۷.۲. طرح

طرح بنا همان است که امروز بدان نقشه یا پلان (Plan) ساختمان می‌گویند. طرح با افعال «ریختن»، «افکندن» و «انداختن» آمده است. آوردن این افعال گویا به این سبب بوده که گاهی طرح را بر روی خاک یا خاکستر می‌کشیدند.

چو در طرحش به خاکستر فتد کار
نویسد بر صفاهان سرمه، معمار
(قدسی مشهدی، ۱۳۷۵: ۸۰۶)

در اشعار ساختمان، رنگ و نیرنگ یا پیرنگ نیز به معنی نقشه و طرح بنا به کار رفته است. پیرنگ یا نیرنگ طرح اولیه‌ی نقاشی بود که نقاش آن را با زغال می‌کشید (رک. لغت‌نامه‌ی دهخدا، ۱۳۷۳: ذیل نیرنگ).

ریخت رنگ عمارتی که زند
از صفا طعنه بر بهشت‌آباد
(مشتاق اصفهانی، ۱۳۶۳: ۱۶۳)

شاعران علاوه بر آنکه از طرح بنا سخن گفته‌اند، در ضمن توصیف بنا نیز طرح آن را نشان داده‌اند:

گشته دو سطح متقاطع دو چار
چار خیابان ز دو سطح آشکار
در وسط باغ به وضعی سعید
گشته یکی سطح مربع پدید
در وسط آن اُرشی خانه‌ای
خانه‌ی زیننده‌ی شاهانه‌ای...
(نویدی، ۱۳۹۵: ۳۹)

۲.۷.۳. سبک معماری

یکی از سبک‌های اصیل معماری ایرانی سبک چهار ایوانی است که از پیش از اسلام وجود داشته و پس از اسلام در ساخت مساجد و مدارس به کار رفته است. «شاهکار مسجدهای ایرانی را مسجدهای چهار ایوانی می‌دانند؛ زیرا جالب‌ترین و پرجذبه‌ترین فضاهای معماری مربوط به مساجد را در این گروه می‌توان مشاهده کرد. طرح این مسجدها

و مدرسه‌های چهار ایوانی تمامی بر اساس پلان قصرهای چهار ایوانی مربوط به دوره‌ی اشکانی و ساسانی و حتی قبل از آن در زمان هخامنشی بنیاد گرفته است» (جوادی، ۱۳۶۳: ۱۷۰) در اشعار ساختمان نیز به این سبک معماری اشاره شده است.

در او خرم ایوان برابر چهار	ز رنگش گهرها چو باغ بهار
چهار صفه و از هر یکی گشاده دری	(اسدی طوسی، ۱۳۵۴: ۳۲۳)
چار ایوان روبروی باغ دارد کز صفا	چنانکه چشم کند از چهار گوشه نظر
هم در آنجا کرد بنیاد این همایون مدرسه	(فرخی سیستانی، ۱۳۹۳: ۱۲۹)
چون تمام این چار ایوان شد به تاریخش خرد	می برد گلشن ز هر یک فیض صبح نوبهار
	(صیدی طهرانی، ۱۳۶۴: ۵۲)
	وندن آن این چار ایوان سر به هفت اختر کشید
	زد رقم این چار ایوان سر به کیوان برکشید
	(صبا، ۱۳۴۱: ۸۶)

سبک دیگری که در دوره‌ی صفویه از تلفیق معماری ایرانی و غربی پدید آمد، عمارت کلاه فرنگی بود. این عمارت‌ها کاربرد تفریحی داشته‌اند:

گلستانش فرنگی دستگاه است	که بر سر این بنا او را کلاه است
	(تأثیر تبریزی، ۱۳۷۳: ۱۷۲)

۲. ۷. ۴. انواع معماری

شاعران برای انواع معماری اعم از ساخت بنا از پی، تعمیر بنا، گسترش و تزئین بناها شعر سروده‌اند. بیشتر اشعار از دسته‌ی اوّل هستند؛ یعنی بناهایی که به اصطلاح امروزی از صفر بنا می‌شوند؛ اما برخی از بناها به‌ویژه بناهای مذهبی که امروز هم برجای مانده‌اند در دوره‌های مختلف تعمیر یا تزئین شده یا گسترش یافته‌اند و برخی اشعار ساختمان مربوط به این معماری‌هاست. از شعر زیر معلوم می‌شود که در عهد شاه سلیمان صفوی زلزله به دارالسیاده خرابی وارد آورده و آن پادشاه به مرمت آن پرداخته است:

تزلزل چون به این عالی‌بنا افتاد از لرزش	به هر سو رخنه‌ها چون چاک در دلها نمایان شد
به تجدید بنایش داد فرمان شاه دین‌پرور	کف گنجور همّت از پیش سیم و زر افشان شد
خرد گفت از زبان قدسیان تاریخ تعمیرش	مطاف جنّ و انس آباد در عهد سلیمان شد
	(صنیع‌الدوله، ۱۳۵۵: ۳۸۵)

۲. ۷. ۵. مصالح و ابزار معماری

در اشعار ساختمان شاعران مصالح به‌کاررفته در بنا و ابزار معماری را نیز نام برده و توصیف کرده‌اند. برخی از این مصالح عبارت‌اند از سنگ، چوب، میخ، تخته، گچ، آهک، ساروج، آهن، کاهگل، خشت، آجر و شیشه و مصالح تزئینی، مانند کاشی، آینه، فیروزه، طلا، نقره و جواهر، عود، چندن یا صندل، عاج، یشم و مرمر. در شعر زیر برخی از مصالح و مواد به‌کاررفته در بنا وصف شده است:

ای هم‌ایون سـررای فرخنده
 خاکت از مشک و سنگت از مرمـر
 با زر شمسـه‌ی تو در یـاری
 کاشی و آجـرت به هر خـرده
 گچ بام تو نه سپهر به دور
 که شد از رونقت طرب زنده
 بادت از خلد و آبت از کوش
 لاجـورد سـپهر زنگـاری
 مال قـارون به دم فـرو برده
 از ره کهکشان کشیده به ثور
 (اوحدی مراغه‌ای، ۱۳۴۰:۳۹۶)

برخی از ابزار معماری که در اشعار ساختمان وصف شده است از این قرارند: تیشه، زنب، ماله، ناوه، رنده، پرگار، مسطر، چوب‌بست و تخته‌ی زیرمشق.

مـهش به مالـه‌ی سـیمین کشیده گچ در طاق
 خورش به ناوه‌ی زرین کشیده گل بر بام
 (خواجوی کرمانی، ۱۳۹۱:۸۵)

۲.۷.۶. تزئینات بنا

می‌توان بردن ز قصرش فیض گلزار بهشت
 بس که در وی رفته صنعت‌های گوناگون به کار
 (صیدی طهرانی، ۱۳۶۴:۵۲)

شاهکارهای معماری ایران علاوه بر هنر معماری تلفیقی از انواع هنرهاست. در اشعاری که در وصف ابنیه سروده شده، بسیاری از هنرها و صنعت‌های به‌کاررفته در بنا، شامل کاشی‌کاری، گچبری، مقرنس، شمسه، جامکاری، منبت، نقره و طلاکاری، آئینه‌کاری، درودگری، حجاری، جواهرکاری، خوشنویسی و نگارگری توصیف شده‌اند. از این میان هنر نگارگری با وجود آنکه در اسلام تحریم شده بود،^۲ در معماری ایرانی و بازتاب آن در اشعار ساختمان بسیار جلوه‌گر است. نقاشی‌های دیواری که در اشعار وصف شده‌اند، موضوعات متنوعی دارند، از جمله: تصویر شاه و شاهزادگان، تصاویر رزمی و بزمی، تصویر داستان‌های عاشقانه و داستان‌های حماسی، تصویر بازی‌ها و ورزش‌هایی مانند چوگان‌بازی و قپق‌اندازی [= تیراندازی کردن و زدن نشانه بر بالای قپق (انوری، ۱۳۸۱: ذیل قپق‌اندازی)]، تصویر شکارگاه، تصاویر طبیعی گل‌ها و درختان و حیوانات، تصاویر خیالی مانند دیو و جن و پری.

در این اشعار به اصول نگارگری و عناصر مربوط بدان‌ها نیز اشاره شده است؛ مانند نقش‌مایه‌ها و فنون نگارگری، قلم‌گیری و بیرنگ و عناصر گوناگون آن، اسلیمی، ختایی، زرافشان، ابری، بندرومی و فرنگی و انواع رنگ‌ها، مانند طلا، لاجورد، زنگار، نیل، دوده، گلغونه، شنگرف و زعفران.

ز سـیمـرغ آمـد و ازدر نمونـه
 چو انجم بر سپهر عالم آرا
 چو ماهی زیر موج بحر ذخار
 به هم ابر و فرنگی گونه گونه
 ختایی‌ها به روی سقف پیدا
 میان ابر اسلیمی پدیدار
 (نویدی، ۱۳۹۵:۸۹)

شاعران در ضمن توصیف هنرها، آفرینندگان آن‌ها مانند معمار، بنا، مهندس، نجار، سنگتراش، نقاش و دیگر صنعتگران و هنرمندان را نیز نام برده و ستایش کرده‌اند.

۳. نتیجه‌گیری

در لابه‌لای متون هزارساله‌ی شعر فارسی اشعاری وجود دارد که در توصیف بناها و ساختمان‌ها سروده شده‌اند. سرایش این نوع شعر در همه‌ی دوره‌های شعر فارسی و بیشتر در قالب قصیده، قطعه و مثنوی رواج داشته است. در دوره‌ی صفویه به تشویق و درخواست شاهان صفوی، منظومه‌های مستقلی در توصیف ساختمان‌ها پدید آمد. عبدی‌بیگ شیرازی، متخلص به نویدی شاعر دربار شاه‌طهماسب، از شاخص‌ترین شاعرانی است که بسیاری از عمارت‌های صفویه را با جزئیات به تصویر کشیده است. در دربار شاهان گورکانی هند، نظیر اکبرشاه و شاه‌جهان، شاعرانی نظیر قدسی مشهدی، کلیم کاشانی و نظیری نیشابوری نیز قالب مثنوی را برای توصیف بناهای سلطنتی به کار بردند. هرچند وصف ابنیه از آغاز شعر فارسی در بیشتر دیوان‌های شعر وجود دارد؛ اما شاعران از دوره‌ی صفویه به‌عنوان یک نوع مستقل در قالب مثنوی بدان پرداخته‌اند. در دوره‌ی قاجار هم که برخی از شاهان، مانند فتحعلی‌شاه برای به‌دست‌آوردن مشروعیت حکومت خویش، به احداث، تعمیر و تزئین بناهای مذهبی بسیار اهتمام ورزیدند، این نوع شعر به سبک متقدمان دوباره در قالب‌های قصیده و قطعه، همراه با مدح و ستایش بانیان و درج ماده‌تاریخ رواج گسترده‌ای یافت. فتحعلی‌خان صبا، ملک‌الشعراء فتحعلی‌شاه، بیش از صد شعر در قالب قصیده و قطعه در وصف قصرها و اماکن مذهبی که در آن زمان احداث، تعمیر یا بازسازی شده بود، سروده است؛ بنابراین دوره‌ی قاجار هم از نظر فراوانی و هم از نظر توصیف انواع بنا دوره‌ی فراوانی این نوع ادبی به شمار می‌آید.

در این جستار علاوه بر تبیین ویژگی‌های هنری و ادبی شعر ساختمان، اعم از اغراض شعری، درونمایه، ساختار، قالب و وجوه بلاغی که به شناسایی دقیق و همه‌جانبه‌ی این نوع ادبی می‌انجامد، به رابطه‌ی این اشعار با معماری اصیل ایرانی نیز پرداخته شده است که در پژوهش‌های معماری می‌تواند راهگشا باشد. شعر ساختمان دایره‌ای وسیع و متنوع از موضوعات و درونمایه‌ها را در خود گنجانیده است. وصف انواع بنا اعم از عمارات سلطنتی و بناهای عمومی، توصیف اندام‌های اصلی و اجزای بنا، سبک معماری و انواع صنعت‌ها و حرفه‌های وابسته به معماری، نام مشاغل، مصالح و ابزار مربوط به معماری، و توصیف تزئینات بنا، مانند نگارگری و دیوارنگاره‌ها. علاوه بر این موارد که بیشتر ناظر بر ویژگی‌های معماری و کالبد فیزیکی بنا هستند، ترکیبات و مضامین ادبی که در زبان و ادب فارسی از اصطلاحات معماری برساخته شده‌اند، در این اشعار وجود دارد. همچنین بسیاری از شاخص‌های فرهنگی ایرانیان مانند عقاید و نگرش‌ها، آداب و رسوم و باورهای عامیانه را می‌توان از متن این اشعار به دست آورد.

یادداشت‌ها

۱. مؤلف تاریخ یزد در توصیف عمارتی و درخواست بانی از شاعر برای سرودن شعری برای کتابه می‌نویسد: «در سال ثلاث و عشر و ثمانمائه در محله‌ی نرسوآباد خواجه شهاب‌الدین قاسم سرایی عالی و طنبی و بادگیر و حوضخانه و سرابستان و باغی مشجر ترتیب کرد و مولانای اعظم شرف‌الدین علی یزدی در وصف آن عمارت به التماس بانی گفته است:

تبارک‌الله از این روضه‌ی بهشت آیین که هست روضه‌ی نزهت‌سرای خلد برین»

(جعفری، ۱۳۴۳: ۶۰)

عبدی‌بیگ شیرازی در مثنوی جنات عدن فرمان شاه را مبنی بر سرایش این منظومه یادآور شده است:

امر توام ریخت خرد در دماغ
 کلک هنر پیشه گرفتم به دست
 از تو به فرمان علم افراختن
 تا بکنم وصف خیابان و باغ
 تا بکنم وصف بدان سان که هست
 وز من جانباز به سر تاختن
 (رک: نویدی، ۱۳۹۵: ۳۵)

۲. برخی از شاعران به تحریم نگارگری در اسلام اشاره کرده‌اند:

حلال نیست که صورت کنند بر دیوار
 که رد شرع بود زو خلل بیفزاید
 (سعدی، ۱۳۷۶: ۹۱۰)

تا عکس جام‌هاش فتاده است بر زمین
 صحنش چو سقف منظر مینا پراختر است
 گرچه نکرد بانی او هیچ صورتی
 در وی که آن مخالف شرع پیمبر است
 (ابن یمین، ۱۳۴۴: ۲۳)

منابع

- آذر بیگدلی، لطفعلی بیگ. (۱۳۶۶). *دیوان*. به کوشش حسن سادات ناصری و پروفیسور غلامحسین بیگدلی، تهران: علمی (جاویدان).
- آذری اسفراینی، حمزه بن علی. (۱۳۸۹). *دیوان*. تحقیق و تصحیح محسن کیانی، عباس رستاخیز، تهران: کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- ابن یمین، محمود بن یمین‌الدین. (۱۳۴۴). *دیوان*. به تصحیح و اهتمام حسینعلی باستانی راد، تهران: کتابخانه‌ی سنایی.
- اثیر اخسیکتی. (۱۳۹۸). *دیوان*. مقدمه تصحیح و تعلیقات محمود براتی خوانساری، تهران: سخن.
- ازرقی، ابوبکر بن اسماعیل. (۱۳۹۸). *دیوان*. تصحیح مسعود راستی پور محمدتقی خلوصی، تهران: کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- اسدی طوسی، ابو نصر علی بن احمد. (۱۳۵۴). *گرشاسب‌نامه*. تصحیح حبیب یغمایی، تهران: طهوری.
- امیرمعزی، محمد بن عبدالملک. (۱۳۸۹). *دیوان*. تصحیح و تحشیه استاد عباس اقبال آشتیانی، به اهتمام عبدالکریم جربزه‌دار تهران: اساطیر.
- امیری هروی، جلال‌الدین یوسف. (۱۳۹۳). *دیوان*. تصحیح امید سروری - عباس بگ‌جانی، تهران: منشور سمیر.
- امین احمد رازی. (۱۳۷۸). *تذکره‌ی هفت اقلیم*. تصحیح جواد فاضل، تهران: علی اکبر علمی.
- انوری، حسن. (۱۳۸۱). *فرهنگ بزرگ سخن*، تهران: سخن.
- انوری، علی بن محمد. (۱۳۴۷). *دیوان*. به اهتمام محمدتقی مدرس رضوی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب تهران.
- اوحدی مراغه‌ای، رکن‌الدین. (۱۳۴۰). *دیوان*. *منطق العشاق - جام جم*، با تصحیح و مقابله و مقدمه سعید نفیسی، تهران: امیرکبیر.
- بدرالدین چاچی. (۱۳۸۷). *دیوان*. تصحیح علی محمد گیتی‌فروز، تهران: کتابخانه و موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.

بدرشروانی، بدرالدین بن شمس‌الدین. (۱۳۹۷). *دیوان*. تصحیح فاطمه مجیدی، تهران: کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.

تأثیر تبریزی، محسن. (۱۳۷۳) *دیوان*. تصحیح امین پاشا اجلالی، تهران: نشر دانشگاهی.
تقی‌الدین کاشی، محمدبن علی. (۱۳۸۴). *خلاصه الأشعار و زیده الأفكار (بخش کاشان)*. به کوشش عبدالعلی ادیب برومند و محمدحسین نصیری کهنمویی، تهران: میراث مکتوب.

جامی، عبدالرحمن بن احمد. (۱۳۷۸). *دیوان*. مقدمه و تصحیح اعلاخان افصح‌زاد، ج ۱، تهران: میراث مکتوب.
جبلی، عبدالواسع بن عبدالجامع. (۱۳۶۱). *دیوان*. به اهتمام و تصحیح ذبیح‌الله صفا، تهران: امیرکبیر.
جعفری، جعفر بن محمد بن حسن. (۱۳۴۳). *تاریخ یزد*. به کوشش ایرج افشار، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
جمال‌الدین اصفهانی، محمد بن عبدالرزاق. (۱۳۶۲). *دیوان*. با تصحیح و حواشی حسن وحید دستگردی، تهران: کتابخانه‌ی سنایی.

جوادی، آسیه. (۱۳۶۳). *معماری ایران، ۱۴ مقاله به قلم ۳۳ پژوهشگر ایرانی*. تهران: سازمان میراث فرهنگی.
حسن دهلوی، حسن بن علی. (۱۳۸۳). *دیوان*. به اهتمام احمد بهشتی شیرازی، حمیدرضا قلیچ‌خانی، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.

حسینی خلیفه، سید احمد. (۲۰۲۱). *فتوحات گیتی‌ستان، منظومه‌ای در تاریخ شاه عباس*. مقدمه و تصحیح زهت احمدی (صراف) و محسن محمدی فشارکی. سوئد: داناگارد.

خواجوی کرمانی، محمود بن علی. (۱۳۹۱). *کلیات*. به اهتمام و تصحیح احمد سهیلی خوانساری، تهران: سنایی.
دهخدا، علی‌اکبر. (۱۳۷۳). *لغت‌نامه*. تهران: مؤسسه‌ی انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
رستگار فسایی، منصور. (۱۳۷۲). *انواع شعر فارسی*. شیراز: نوید.
رشید و طواط، محمد بن محمد. (۱۴۰۲). *دیوان*. تصحیح سارا سعیدی ورنوسفادرائی، انتشارات دکتر محمود افشار، تهران: اساطیر.

رودکی سمرقندی، ابو عبدالله جعفر بن محمد. (۱۳۹۳). *دیوان*. بر اساس نسخه‌ی سعید نفیسی، ی براگینسکی، تهران: نگاه.

سعدی، مصلح‌بن عبدالله. (۱۳۷۶). *کلیات*. بر اساس نسخه‌ی محمدعلی فروغی. تهران: داد.
سلمان ساوجی، سلمان بن محمد. (۱۳۷۱). *دیوان*. مقدمه و تصحیح ابوالقاسم حالت، به کوشش احمد کرمی، تهران: نشر (ما).

سوزنی سمرقندی، محمد بن علی. (۱۳۳۸). *دیوان*. تصحیح، مقدمه و شرح ناصرالدین شاه‌حسینی، تهران: امیرکبیر.
شهیدی مارنانی، نازنین. (۱۳۹۵). «باغ سعادت‌آباد اصفهان در آیینی مثنوی گلزار سعادت». *مطالعات معماری*

ایران، بهار و تابستان ۱۳۹۵ شماره ۹، صص ۶۷-۷۴. https://jias.kashanu.ac.ir/article_111759.html

صائب تبریزی، محمدعلی. (۱۳۶۴). *دیوان*. به کوشش محمد قهرمان، تهران: علمی و فرهنگی.

صبا، فتح‌علی بن محمد. (۱۳۴۱). *دیوان*. به تصحیح و اهتمام محمدعلی نجاتی، تهران: اقبال.

صبحی بیدگلی، سلیمان، (۱۳۶۵). دیوان. به کوشش احمد کرمی، تهران: (ما).
 صبور کاشانی، احمد. (۱۳۹۵). دیوان. به کوشش سیدمحمد راستگو- معصومه عدالت‌پور، تهران: منشور سمیر.
 صنیع‌الدوله، محمدحسن‌خان. (۱۳۵۵). *مطلع الشمس در جغرافی و تاریخ بعضی از بلاد و اماکن خراسان و غیره*.
 ویراستاران محمد مقدم و مصطفی انصاری، تهران: سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی.
 صیدی طهرانی، علی. (۱۳۶۴). دیوان. به کوشش محمد قهرمان، تهران: اطلاعات.
 عمادی شهریاری، عمادالدین. (۱۳۸۱). دیوان. مقدمه و تصحیح و تحقیق: ذبیح‌الله حبیبی‌نژاد، تهران: طلایه.
 عنصری بلخی، حسن بن احمد. (۱۳۶۳). دیوان. به کوشش محمد دبیرسیاقی، تهران: کتابخانه‌ی سنایی.
 فرّخی سیستانی، علی بن جولوغ. (۱۳۹۳). دیوان. به کوشش محمد دبیرسیاقی، تهران: زوآر.
 قبولی هروی «شروانی». (۱۳۸۶). دیوان. به کوشش خانمحمد آذری، تهران: بنیاد موقوفات محمود افشار.
 قدسی مشهدی، محمدجان. (۱۳۷۵). دیوان. مقدمه تصحیح و تعلیقات محمد قهرمان، مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد.
 قطران تبریزی، ابومنصور. (۱۳۶۳). دیوان. از روی نسخه محمدعلی نخجوانی به مقالات بدیع‌الزمان فروزانفر و ذبیح‌الله صفا، تهران: ققنوس.

کلیم ابوطالب. (۱۳۶۹). دیوان. تصحیح بیژن ترقّی و مقدمه پرتو بیضایی، تهران: کتابفروشی خیام.
 گودرزی، مصطفی؛ محبی، بهزاد. (۱۴۰۱). «نقش اسنادی ادبیات منظوم در بازنمایی بناهای تخریب شده صفوی...».
 شعرپژوهی (بوستان ادب)، سال ۱۴، شماره‌ی ۴، زمستان ۱۴۰۱، پیاپی ۵۴، صص ۱۲۱-۱۴۸.

<https://doi.org/10.22099/jba.2022.43785.4242>

مجمراصفهانی، سیدحسین‌بن‌علی. (۱۳۴۵). دیوان. مقدمه محمد محیط طباطبایی، تهران: خیام.
 مسجدی، حسین؛ لطفی، علیرضا. (۱۳۹۳). *فرهنگواره گرمابه با رویکرد به حمام‌های اصفهان*. تهران: کتاب آبان.
 مسعود سعد سلمان. (۱۳۶۵). دیوان. به تصحیح و اهتمام مهدی نوریان اصفهان: کمال.
 مشتاق اصفهانی، میرعلی. (۱۳۶۳). دیوان. به اهتمام حسین مکی. تهران: علمی.
 مؤتمن، زین‌العابدین. (۱۳۶۴). *شعر و ادب فارسی*. تهران: زرین.
 ناظم هروی، فرخ حسین. (۱۳۷۴). دیوان. تصحیح محمد قهرمان، مشهد: آستان قدس رضوی.
 نخجوانی، حسین. (۱۳۴۳). *مواد التواریخ*. تهران: کتابفروشی ادیبه.
 نصرآبادی، میرزا محمدعلیا. (بی‌تا). *مثنوی‌نامه وصف عمارت دولتخانه‌ی شاهی*. نسخه‌ی خطی، شماره‌ی ۱۴۱۹۰، تهران: کتابخانه‌ی ملی مجلس شورای اسلامی.
 نوآب شیرازی «بسمل»، علی‌اکبر. (۱۳۷۱). *تذکره‌ی دلگشا*. تصحیح و تحشیه‌ی منصور رستگار فسایی، شیراز: نوید.
 نوایی، علیشیر بن کیچکنه. (۱۳۳۲). *تذکره‌ی مجالس‌النفائس*. به‌اهتمام علی‌اصغر حکمت، تهران: چاپخانه‌ی بانک ملی ایران.
 نویدی، زین‌العابدین بن عبدالمؤمن. (۱۳۹۵). *جنات عدن*. تصحیح احسان اشراقی و مهرزاد پرهیزکاری، تهران: سخن.
 وحشی‌بافقی، کمال‌الدین. (۱۴۰۱). دیوان. به کوشش پرویز بابایی، تهران: نگاه.

وحیدقزوینی، محمدطاهر بن حسین. (۱۳۸۴). وصف عمارت پادشاهی. تصحیح سیده‌زیبا بهروز، گنجینه‌ی بهارستان: ادبیات فارسی، به کوشش بهروز ایمانی، کتابخانه‌ی موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ص ۶۸۳ - ۶۹۰. وفا زواره‌ای، محمدعلی. (۱۳۸۵). تذکره‌ی مآثرالباقریه به انضمام رساله‌ی اشعار مسجدیه مقدمه، تصحیح و تحشیه‌ی حسین مسجدی، اصفهان: سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری اصفهان.

هاتف اصفهانی، احمد. (۱۳۹۵). دیوان. مقدمه تصحیح و تعلیقات وجیهه ربیع، تهران: میراث مکتوب با همکاری دانشگاه اصفهان و مرکز آفرینش‌های ادبی قلمستان.

همای شیرازی، رضاقلی بن بمانعلی. (۱۳۶۳). دیوان. به کوشش احمد کرمی، تهران: نشر ما.

همایی، جلال‌الدین. (۱۳۶۴). دیوان سنا. به کوشش ماهدخت بانو همایی. تهران: هما.

..... (۱۳۸۹). فنون و بلاغت و صناعات ادبی. تهران: اهورا.

یاراحمدی، سمانه و دیگران. (۱۳۹۷). «بازخوانی باغ سعادت‌آباد قزوین بر اساس اشعار عبدی‌بیگ شیرازی و انطباق

با اسناد تاریخی دیگر». باغ نظر، سال ۱۵، فروردین، شماره ۵۸. صص ۲۷ - ۵۰.

https://www.bagh-sj.com/article_595746fac0b0c2179081ee627273_b8d9_04bab.pdf



Extended Abstract

Vol 16, Issue 4, Winter 2025, Ser 62



Poetry of Buildings: An Introduction and Criticism of a Poetic Genre in Persian

Fatemeh Amiri 
Ali Akbar Ahmadi Darani* 

Introduction

Poetry of buildings is one of the types of poetry in the thousand-year history of Persian literature. The main theme in this type of poetry is the description of buildings. By describing the buildings, poets have preserved the name and image of many Iranian architectural masterpieces in Persian literary texts and have shown their power and skill in poetry. The composition of this type of poetry has been popular in all periods of Persian poetry in the form of ode, Ghat'e, and Masnavi. During the Safavid era, with the encouragement and request of the rulers of this dynasty, independent works describing the Safavid mansions appeared. In the Qajar period, when some kings, such as Fath Ali Shah, paid great attention to the construction, repair, and decoration of religious buildings to gain the legitimacy of their rule, this type of poetry became widespread again in the style of old poets in the form odes and, Ghat'e, along with the praises of the founders and the inclusion of chronogram. The main purpose of the earlier poets in writing these poems was praise; in the Safavid period it was description and in the Qajar period it was mostly to record the date and name of the founder. In addition to describing royal and public buildings, this type of poetry covers a wide range of Iranian historical and social topics.

Methodology and Review of Literature

In the present research, to show the evolution of this literary genre in a relatively complete way, the entire range of Persian poetry was considered, because in the research of literary type, limiting the research to a specific period will not lead to an accurate and complete understanding of that literary type. Therefore, at first, a list of verse and prose texts (divans of poetry, Tazkereh, chronicles, etc.) was prepared after searching those sources. More than eight hundred poems of building were found in texts from a thousand years of Persian poetry.

The aim was to answer these questions: what was the purpose of the poets in writing this type of poetry? What form and structure did the poets choose for it in different periods? What is the content of this type of poetry and what special rhetorical aspects have poets used to compose such poetry?

For the first time, in *Types of Persian Poetry* (1993) by Mansour Rastgar Fasai, the poetry of building was presented as a type of poetry. Several architecture and art researchers have also analyzed some building poems from the perspective of Safavid period architecture, including Nazanin Shahidi Marnani, "Sa'adat Abad Garden of Isfahan in the Mirror Masnavis of Golzar Sa'adat" (2015); Mustafa Gudarzi and Behzad Mohebi, "The Documentary Role of Poem Literature in the Representation of Destroyed Safavid Buildings" (2022).

* Associate Prof in Persian Language and Literature University of Isfahan, Isfahan, Iran. aa.ahmadi@ltr.ui.ac.ir,
DOI:10.22099/JBA.2024.47809.4415

Received: 2024-03-22

Accepted: 2024-08-24



Discussion

In this research, to identify and comprehensively introduce poetry of buildings as a literary type, their purposes, formats, structures, themes, rhetorical aspects, and the relationship of these poems with authentic Iranian architecture have been criticized and analyzed.

Poets have had purposes such as description, eulogy, history and admonition in writing the poems. Eulogy can be considered the most important purpose of poetry in this type of literature. Eulogy is mostly found in the poems of the predecessors and the poems of the return period. In most of the poems of the building, the main purpose is to describe the building. The description is more obvious in the poems of Safavid-era poets. In the poems of the building, sometimes advice and admonition prevail over the description of the building. After describing the building, the poet reminds the impermanence of the world and warns the builder and the audience against attachment to the world.

Most of the poems of building are written in the formats of odes, Ghat'e, and Masnavi. The ode is the most widely used format for writing this type of poetry. In the poems in the form of Ghat'e, the name of the king or period, the name of the founder, the name of the building, and the date are mentioned. Many of them were written for the inscription. The most accurate description of the buildings is written in the form of Masnavi. In the 10th and the 11th centuries of Hijri, Masnavi was used as the main format for writing this type of poetry, and independent works describing Safavid buildings were written in this format.

Poems of building contain a wide and diverse range of topics and themes, the main of which is the description of various types of buildings, including royal buildings like government houses and public buildings like mosques and baths. In these descriptions, all the building components and architectural features are carefully described.

Poets have used surprise, anthropomorphism, and sometimes repetition to draw the audience's attention and focus on to the building's description. For this purpose, emotional pseudo-sentences such as habbaza, rhetorical questions, and addressing have been used. In this type of poetry, poets have welcomed each other in rhythm and rhyme, and creation of literary themes.

In the poems of building, characteristics of historical buildings are described, from the design and texture to many details and subtleties of architecture such as architectural style, design, types of industries and professions related to architecture, names of jobs, related materials, and tools. In architecture, the description of building decorations, such as paintings and murals, has been introduced and described.

Conclusion

One of the types of Persian poetry is the poetry of buildings. Writing this type of poetry has been popular in all periods of Persian poetry. Although the description of the building is present in most poetry divans from the beginning of Persian poetry, poets from the Safavid period have dealt with it as an independent type. In the Safavid era, independent works were written describing Safavid buildings. In the Qajar period, this type of poetry in the style of the predecessors became widespread again in the form of odes and Ghat'e, along with the praise of the founders. Saba-ye Kashani wrote more than a hundred poems describing the palaces and religious places that were built, repaired, or renovated at that time. Therefore, the Qajar period is considered the peak period of this literary type both in terms of abundance and in terms of describing the types of buildings. There is a wide and diverse volume of subjects and themes in this type of poetry, including a description of royal buildings and public buildings, a description of main organs, and building components.

In this essay, in addition to explaining the artistic and literary features of the poetry of building, including poetic purposes, themes, structures, formats, and rhetorical features that lead to the accurate and comprehensive identification of this literary type, the relationship of these poems with authentic Iranian architecture, such as the architectural style and the types of industries and professions related to architecture, have also been discussed.

Keywords: building, poetry of building, mansion, description

References:

- Amiri Heravi, J. Y. (2014) *Divan*. (O. Sorori & A. Bagjani, Ed.). Tehran: Manshur -e-Samir. [in Persian]
 Anwari, A. M. (1968). *Diwan*. (M. T. Modares Razavi, Ed.). Tehran: Tehran Book Translation and Publishing Company. [in Persian]

- Asadi Tousi (1975). *Garshasb-nameh* (H. Yaghmaei, Ed.). Tehran: Tahuri. [in Persian]
- Asir Akhsikati (2019). *Diwan*. (M. B. Khansari, Ed.). Tehran: Sokhan. [in Persian]
- Azari Esfrayeni, H. A. (2010). *Diwan* (M. Kiyani and A. Rastakhiz, Ed.). Tehran: Museum Library and Islamic Council Document Center. [in Persian]
- Azraghi Heravi, S. (2019). *Diwan*. (M. Rastipour & M. Kholusi, Ed.). Tehran: Library of the Museum and Documents Center of the Islamic Council. [in Persian]
- Badr Chachi, B. (2008) *Diwan*. (A. M. Giti-forooz, Ed.). Tehran: Islamic Council Library and Museum and Documents Center. [in Persian]
- Badr Shervani, B. (2018) *Divan*. (F. Majidi, Ed.). Tehran: Islamic Council Museum Library and Documents Center. [in Persian]
- Emadi Shahriari, E. (2002). *Diwan*. (Z. Habibi-Najad, Ed.). Tehran: Talayeh. [in Persian]
- Farrokhi Sistani, A. (2014). *Divan*. (M. Dabir-siaghi, Ed.). Tehran: Zavvar. [in Persian]
- Ghabouli Hervy (2007). *Diwan*. (K. M. Azari, Ed.). Tehran: Mahmoud Afshar Endowment Foundation. [in Persian]
- Hatef Esfahani, A. (2015). *Diwan*. (V. Rabi, Ed.). Tehran: Miras-e Maktoob in collaboration with the University of Isfahan and the Center for Literary Creations of Ghalamistan. [in Persian]
- Homa-ye Shirazi, R. (1984). *Diwan*. (A. Karami, Ed.). Tehran: Ma Publishing. [in Persian]
- Homaei, J. (2010). *Rhetorical and literary devices*. Tehran: Ahura. [in Persian]
- Ibn Yamin, M. (1965) *Diwan* (H. A. Bastani Rad, Ed.). Tehran: Sanai Library. [in Persian]
- Jabali, A. (1982). *Diwan*. (Z. Safa, Ed.). Tehran: Amir Kabir. [in Persian]
- Jafari, J. (1964). *History of Yazd*. Tehran: Book Translation and Publishing Company. [in Persian]
- Jamal al-Din Isfahani, M. (1983). *Diwan*. (H. Vahid Dastgard, Ed.). Tehran: Sanai Library. [in Persian]
- Kalim, A. (1990). *Divan*. (B. Taraghi, Ed.). Tehran: Khayam bookshop. [in Persian]
- Khajo Kermani, M. (2012). *Collection of poems* (A. Soheili Khansari, Ed.). Tehran: Sanai. [in Persian]
- Mejmar esfahani, S. (1966). *Divan*. (M. Mohit Tabatabayi, Ed.). Tehran: Khayyam. [in Persian]
- Moshtaq Esfahani, M. A. (1984). *Diwan*. (H. Makki, Ed.). Tehran: Elmi. [in Persian]
- Motaman, Z. A. (1985). *Persian poetry and literature*. Tehran: Zarrein. [in Persian]
- Nakhjavani, H. (1964). *Mavad al-tavarikh*. Tehran: Adibeh bookstore.
- Nasrabadi, M. M. O. (n.d). *Description of Dolat-khaneh Shahi mansion*. Manuscript, number 14190, Tehran: National Library of the Islamic Council. [in Persian]
- Navidi, Z. (2017). *Eternal paradises*. (E. Eshraghi & M. Parhizkari, Ed.). Tehran: Sokhan. [in Persian]
- Nawab Shirazi Besmel, A. A. (1992). *Tazkere-ye Delgosha*. (M. Rostgar Fasaei, Ed.). Shiraz: Navid. [in Persian]
- Nawaei, A. K. (1953). *Tazkere-ye Majalis al-Nafais*. (A. A. Hekmat, Ed.). Tehran: National Bank of Iran Printing House. [in Persian]
- Nazem Heravi, F. H. (1995). *Diwan*. (M. Ghahraman, Ed.). Mashhad: Astan Quds Razavi. [in Persian]
- Ohadi Maraghei, R. (1961) *Diwan*. (S. Nafisi, Ed.). Tehran: Amir Kabir. [in Persian]
- Onsori Balkhi, H. A. (1963). *Diwan*. (M. Dabir-siaghi, Ed.). Tehran: Sanai Library. [in Persian]
- Qudsi Mashhadi, M. (1996). *Diwan*. (M. Ghahraman, Ed.). Mashhad: Ferdowsi University of Mashhad. [in Persian]
- Rudaki-Samarghandi, A. (2014). *Diwan*. (S. Nafisi, Y. Braginski, Ed.). Tehran: Negah. [in Persian]
- Saba Kashani, F. (1962). *Diwan*. (M. A. Nejati, Ed.). Tehran: Eghbal. [in Persian]
- Sabour Kashani, A. (2016). *Diwan*. (S. M. Rastgou & M. Adalatpour, Eds.). Tehran: Manshur -e-Samir. [in Persian]
- Saeb Tabrizi, M. A. (1985). *Diwan*. (M. Ghahraman, Ed.). Tehran: Elmi Farhangi. [in Persian]
- Sani al-Doulah, M. (1976). *Matla' al-shams in the geography and history of some of the areas and places of Khorasan, etc.* (m. Moghadam & M. Ansari, Eds.). Tehran: Shahanshahi Organization of Social Services. [in Persian]
- Salman Sawaji, S. (1992). *Diwan*. (A. Q. Haalat, Ed.). Tehran: Ma Publishing. [in Persian]
- Seydi Tehrani, A. (1985). *Diwan*. (M. Ghahraman, Ed.). Tehran: Etelaat. [in Persian]
- Sozani Samarqhandi, M. (1959). *Diwan*. (N. Shah Hosseini, Ed.). Tehran: Amir Kabir. [in Persian]
- Ta'sir Tabrizi, M. (1994). *Diwan*. (A. Pasha Ejlali, Ed.). Tehran University publication. [in Persian]
- Va'ez Qazvini, A. (1980). *Diwan*. (S. H. Sadat Naseri, Ed.). Tehran: Ali Akbar Elmi Press Institute. [in Persian]

- Vahid qazvini, M. (2005). Description of royal palace. (S. Z. Behrooz, Ed.). in *The treasure of Baharestan: Persian Literature* (B. Imani, Ed.). Tehran: Library and Museum and Document Center of the Islamic Council, pp 683- 690. [in Persian]
- Vahshi Bafghi, K. (2022). *Diwan*. (P. Babaei, Ed.). Tehran: Negah. [in Persian]
- Watavat, R. (2018). *Diwan*. (S. Nafisi & A. K. Jorbozedar, Ed.). Tehran: Asatir. [in Persian]
- Wafa Zavarei, M. A. (2015). *Tadzkireh of Ma'ather al-Baqheriyeh along with the treatise of Masjidieh's poems*. [H. Masjidi, Ed.). Isfahan: Isfahan Municipal Cultural and Entertainment Organization. [in Persian]